

تاثیر خطای پیش بینی سود بر گرایش های احساسی سرمایه گذاران

زهرا شیخی

کارشناس ارشد حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

jhany6769@yahoo.com

سید مصطفی حسن زاده دیوا

دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

mostafahasanzade69@yahoo.com

شماره ۲۸ / تابستان ۱۳۹۹ (جلد چهارم) / صص ۷۸-۹۰
چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره سوم)

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی رابطه بررسی تاثیر خطای پیش بینی سود بر گرایش های احساسی سرمایه گذاران شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار می باشد. بدین منظور اطلاعات ۱۵۰ شرکت طی سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ مورد بررسی قرار گرفته است. برای آزمون فرضیه ها از روش رگرسیون تلفیقی چند متغیره (OLS) استفاده شده است. گرایش های احساسی سرمایه گذاران از طریق شاخص بانندو پادها یاها و جونز (۲۰۰۵) اندازه گیری شده و برای اندازه گیری خطای پیش بینی سود از معیار چنگ و فیرث (۲۰۰۰) استفاده شده است. پژوهش حاضر از نوع توصیفی می باشد و یافته ها حاکی از آن است خطای پیش بینی سود بر گرایش های احساسی سرمایه گذاران تاثیر معنادار دارد.

کلید واژگان: خطای پیش بینی سود، گرایش های احساسی، سرمایه گذاران.

مقدمه

تاریخچه نظریه های مالی در چند دهه اخیر را می توان در دو انقلاب و دگرگونی اصلی، خلاصه کرد. ابتدا انقلاب نئوکلاسی و علوم مالی بود. فرض اصلی تئوریها و نظریه های مالی طبق این رویکرد، کارایی بازار و عقلایی رفتار کردن سرمایه گذاران در بازار است. این رویکرد با قیمت گذاری داراییهای سرمایه ای (CAPM) و نظریه بازار کارا (EMH) در دهه ۱۹۶۰ و مدل قیمت گذاری دارایی سرمایه ای میان مدت و نظریه قیمت گذاری آربیتراژی (APT) در دهه ۱۹۷۰ آغاز شد.

دومین انقلاب و دگرگونی اساسی، انقلاب رفتاری در مباحث مالی بود که در دهه ۱۹۸۰ با طرح پرسش پیرامون منبع نوسان در بازارهای مالی و با کشف ناهنجاری های بیشمار و نیز تلاش در جهت یکپارچه کردن نظریه انتظار کانمن و تورسکی و دیگر نظریه های روانشناسی با نظریه های مالی شروع شد. بر این اساس نظریه های مالی اظهار می دارند؛ که تصمیمات